وطن امروز
روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامک: ۱۰۰۰۲۲۳۱ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

حضرت امیر المومنین(ع):
دروغگو با دروغ خودش ۳ چیز به دست می‌آورد: خشم الهی بر او، اهانت به خودش از طرف مردم، سرزنش و نکوهش فرشتگان نسبت به او.

اخبار

محمد کاسبی پس از دریافت چفیه اهدایی رهبر انقلاب:
آقای ما آقاست

رئیس حوزه هنری در عیادت از محمد کاسبی، چفیه رهبر معظم انقلاب را به هنرمند پیشکسوت کشورمان اهدا کرد. به گزارش «وطن‌امروز»، محمدمهدی دادمان، رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی در عیادتی سرزده، چفیه رهبر معظم انقلاب را به محمد کاسبی، هنرمند پیشکسوت کشورمان اهدا کرد. به گفته دادمان، رهبر معظم انقلاب اسلامی از احوال آقای کاسبی جویا شدند و ضمن آرزوی سلامتی برای این هنرمند، چفیه خود را از شانه‌های‌شان برداشته و به نشانه یادبود به همراه پیغامی می‌فرستند که؛ به آقای کاسبی بگویید برای‌شان دعا می‌کنم.

محمد کاسبی، هنرمند سینما و تلویزیون پس از دریافت هدیه رهبر معظم انقلاب (چفیه) و دعای ایشان برای سلامتی وی، چنین گفت: «آقامون آقاست. من هیچ وقت دلم نخواست عشق و علاقه‌ام نسبت به این سید بزرگوار حالت بهره‌برداری تبلیغاتی بگیرد اما خانواده من، همسر و فرزندانم می‌دانند تنها کسی که در روی کره زمین لیاقت جانشینی امام خمینی رحمت‌الله علیه را داشت امام خامنه‌ای بود». وی بارها چفیه اهدایی رهبر انقلاب را بوسید و خاطرنشان کرد: «همیشه و همیشه عشق او در قلبم است و کسانی که با من ارتباط دارند می‌دانند من چقدر به ایشان علاقه‌مندم و در تنهایی‌هایم ایشان را می‌بینم. او سید بزرگواری است». مدتی است محمد کاسبی، هنرپیشه باسابقه کشورمان به دلیل عارضه قلبی در بیمارستان بستری شده و با بیماری دست و پنجه نرم می‌کند. او به واسطه ایفای نقش‌های مختلف در اذهان عمومی محبوب و ماندگار است.

وویپی گلدبرگ برای اظهارنظر ضدهولوکاستی از برنامه اخراج شد

وویپی گلدبرگ به دلیل حرف بحث‌برانگیزش درباره نژادی نبودن ماجرای هولوکاست از برنامه «ویو» کنار گذاشته شد. به گزارش «وطن‌امروز»، وویپی گلدبرگ بازیگر فیلم مشهور «روح» به مدت ۲ هفته از برنامه «ویو» کنار گذاشته شده چون اخیرا گفته بود هولوکاست موضوعی نژادی نبوده است. کیم گادوین، رئیس شبکه ای‌بی‌سی‌نیوز که این برنامه را پخش می‌کند، در بیانیه‌ای این خبر را اعلام کرد و گفت با وجود اینکه گلدبرگ معذرت‌خواهی کرده است، از او خواستیم از این زمان برای یاد گرفتن درباره اثرات صحبت‌هایش استفاده کند. وی اضافه کرد: کل سازمان ای‌بی‌سی نیوز کنار همکاران، دوستان، خانواده و جوامع یهودی‌مان می‌ایستد. گلدبرگ این حرف را در برنامه روز دوشنبه زده بود. وی در این برنامه درباره ممنوع شدن یک رمان غیرداستانی توسط مدرسه‌ای در تنسی صحبت می‌کرد که داستانش درباره تجربه یک مرد در هولوکاست بود. گلدبرگ گفته بود: بیایید راستش را بگوییم چون هولوکاست درباره نژاد نیست. درباره رفتار غیرانسانی انسان‌ها با یکدیگر است. وی تاکید کرده بود در هولوکاست یک نژاد مطرح بود و آن هم نژاد سفید بود اما گروهی از همین انسان‌های سفید علیه گروهی دیگر ظلم کرده بودند، بنابراین این موضوع را نباید نژادی خواند. این صحبت‌ها باعث شد سازمان‌های یهودی آمریکا به‌سرعت از آن انتقاد کنند و بگویند نازی‌ها قصد داشتند به خاطر اینکه یهودی‌ها را نژاد پایین‌تر می‌دانستند، آنها را به طور سیستماتیک حذف کنند. گلدبرگ در برنامه بعدی معذرت‌خواهی کرد و گفت که می‌داند کلمات اهمیت دارند و این صحبت‌های وی ممکن است موجب ناراحتی برخی یهودیان شده باشد ولی او نمی‌خواست آنها را ناراحت کند. وویپی گلدبرگ، بازیگر فیلم مشهور «روح» یکی از چهره‌های هالیوودی است که همیشه در دفاع از صلح و حقوق سیاه‌پوستان صحبت کرده است.

جهانگیر خسروشاهی درگذشت

نویسنده ادبیات انقلاب اسلامی و پژوهشگر، صبح دیروز ۱۳ بهمن در پی ایست قلبی درگذشت. به گزارش «وطن‌امروز»، جهانگیر خسروشاهی، اول آذر ۱۳۴۰ در روستای دهق واقع در ۸۴ کیلومتری شمال غرب اصفهان در خانواده‌ای مذهبی و روحانی متولد شد. او خواندن و نوشتن را در مکتب آموخت و پس از دوره‌ای تحصیل در مدرسه وارد حوزه شد و به تحصیلات حوزوی پرداخت. فعالیت‌های فرهنگی خود را از ابتدای انقلاب اسلامی شروع کرد و از سال ۱۳۶۸ همکاری با حوزه هنری را آغاز کرد. حضور در مجله سوره، ۲ دوره عضویت در شورای بررسی کارگاه قصه و رمان حوزه هنری، عضویت در پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، همکاری با گروه تلویزیونی جهاد سازندگی و گروه تلویزیونی روایت فتح از جمله موارد مندرج در کارنامه فرهنگی این نویسنده است. خسروشاهی سال ۱۳۷۷ به عنوان داور جشنواره فیلم دفاع‌مقدس و در سال‌های ۱۳۷۷، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳ به عنوان داور جشنواره انتخاب کتاب دفاع‌مقدس حضور داشت. او سال ۱۳۸۳ همچنین داوری انتخاب کتاب دفاع‌مقدس دفتر ادبیات داستانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را عهده‌دار بود.

او آثار زیادی از جمله داستان کوتاه، رمان و زندگینامه داستانی و مقاله به چاپ رساند و کتاب‌های خلفه‌های وحشی (۱۳۷۰)، باغ باور (۱۳۷۳)، بیرون قلعه امن نیست (۱۳۷۶)، خیابان رؤیت (۱۳۷۹) و به کلی سری (۱۳۸۱) را به عنوان مجموع‌داستان در کارنامه خود ثبت کرد.

از دیگر کتاب‌های او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «زخمدار» (۱۳۷۴)، «رؤیای داغ» (۱۳۸۳)، «نفر پانزدهم» (۱۳۶۱)، «صخره‌ها و پروانه‌ها» (۱۳۶۹)، «همیشه با هم» (بی تا)، «دوشنبه‌ای که می‌آید» (۱۳۶۷)، «غروب آبی رود» (۱۳۷۹)، «پدربزرگ، برکه و درخت گردو» (۱۳۷۹) و «از کوچه‌های بی‌خبری» (۱۳۸۱).

نگاهی به فیلم سینمایی «برف آخر» که در روز سوم جشنواره فیلم فجر در سالن رسانه‌ها به نمایش درآمد

در اهمیت خلق تصویر

گروه فرهنگ و هنر: فیلم‌هایی که در روز سوم جشنواره فیلم فجر در سالن رسانه‌های برج میلاد به نمایش درآمدند، آثاری نبودند که مورد توجه مخاطبان و منتقدان قرار بگیرند، بویژه فیلمی که در سانس دوم اکران شد؛ «لایه‌های دروغ». این اثر تنها فیلم اکشن چهلمین جشنواره فیلم فجر به کارگردانی رامین سهراب است که به صورت مشترک توسط ایران و فنلاند تولید شده است. «لایه‌های دروغ» روایتگر یک قهرمان آتش‌نشان ایرانی است که درگیر اتفاقاتی می‌شود. به‌رغم اکشن بودن، این فیلم آنچنان مورد توجه قرار نگرفت. پیش از لایه‌های دروغ، فیلم «برف آخر» به نمایش درآمد؛ فیلمی به کارگردانی امیرحسین عسگری و تهیه‌کنندگی حسن مصطفوی. در یادداشت امروز نقدی کوتاه بر این فیلم داشته‌ایم.

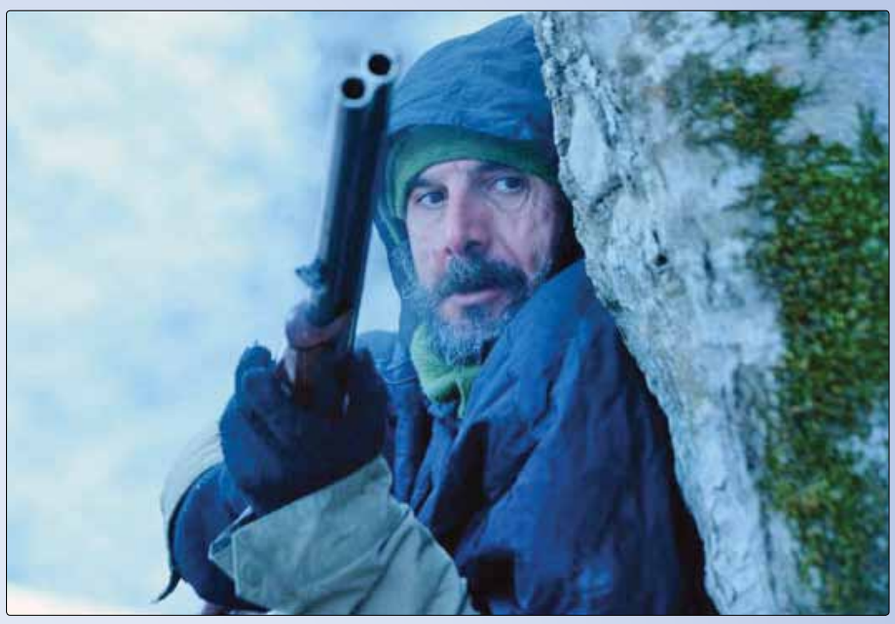

سیدسعید هاشم‌زاده: «برف آخر» به ما یادآوری‌های خوبی می‌کند. این یادآوری، چیزی که به ما گوشزد می‌کند، مفهوم جشنواره است. اینکه جشنواره اصلا برای چه گونه از فیلم‌هایی است و برای چه شکل گرفته تا چه آثاری را در خود ببیند؟ برف آخر، فیلم تصویر است نه فیلم داستان. داستان می‌گوید اما داستانش کمرنگ و خرده‌پیرنگی است. شخصیت‌محور است و آرام و دارای نشانه. داستان فیلم به ظاهر ساده است اما این سادگی روان و دلنشین است. اصلا داستان ساده است که می‌تواند وجه دیگری از سینما را برجسته‌تر کند. این وجه تصویر است. سینما نیازمند تصویر نیست، بلکه سینما بیانگر تصویر است و دارای تصویر بیانگر. این روزها آنقدر غرق در سینمای داستانی بوده‌ایم که تصویر فیلم و زبان تصویری را فراموش کرده‌ایم و همچون سطر اول باید نوشت که برف آخر این ویژگی را به یاد ما می‌آورد که سینما بیان تصویری است.

البته جشنواره مکانی است برای عرضه فیلم‌هایی که بخوبی می‌دانیم در بسترهای دیگر کمتر دیده می‌شوند. از اکران تا نمایش خانگی، برف آخر فیلمی خاص‌پسند و دارای زبان تصویری است. هر قدر نیز فیلم و داستانش را لاغر بدانیم -که هست-، هر قدر که زمان فیلم را بلند بدانیم و بسیاری از لحظات را اضافی، باز هم فیلم یادآوری نوعی از سینماست که این روزها کمتر می‌بینیم.

با شرح مثالی از فیلم می‌توانیم این مساله را بیش از پیش متوجه شویم. در زمانی که دکتر با بازی امین حیایی، محیطبان را با بازی لادن مستوفی می‌بیند و شکل‌گیری یک ارتباط در زیر لایه متن جاری می‌شود، سکانس بعدی اثر به یک گاو تعلق دارد؛ گاوی که در حال زایمان است و دکتر گوساله‌اش را به دنیا می‌آورد. زایش یک عشق همزمان با تولد یک موجود می‌شود. این مونتاژ یک بیان تصویری است. بدون اینکه از شخصیت‌ها سخنی بشنویم و کلماتی رد و بدل شود یا ادا و اطوار و بازی‌های گل‌درشت و اکت‌های بیرونی را شاهد باشیم، یک مونتاژ و ۲ تصویر به اندازه کافی اتمسفر و حس را بازگو می‌کنند و برای بیننده کافی هستند.

فیلم با توجه به تصاویرش بیانگر سردی است. این سرد بودن نه‌تنها اتمسفر لوکیشن را شامل می‌شود، بلکه به ارتباطات نیز نقب می‌زند. این مفهوم در اثر جاری است که گویی برف و سردی روی ارتباطات ریخته است؛ ارتباطاتی از هم گسیخته که سنت از یک سو و عدم درک متقابل از سوی دیگر سرگذشت آدم‌های برف آخر را به مرگ و تنهایی می‌کشاند.

صحنه مرگ خورشید و گم شدن دکتر در برف، ۲ صحنه مهم است که فیلم با شیوه اجرا و سبک بیانی خودش، آن را پیش می‌برد؛ ۲ سکانس که نمونه‌ای هستند برای داستانگویی، بدون دیالوگ و اکت اضافه. برف آخر با رویکرد مینیمالیستی خود نه اینکه فیلم کامل و شاهکار باشد اما سینمایی است که می‌تواند نوعی دیگر از بیانی را که می‌تواند باشد، معرفی می‌کند.

ماجرای انصراف احسان علیخانی از تهیه‌کنندگی «برف آخر»

نشست فیلم سینمایی «برف آخر» به کارگردانی امیرحسین عسگری در چهلمین جشنواره فیلم فجر برگزار شد. به گزارش «وطن‌امروز»، حسن مصطفوی، تهیه‌کننده این فیلم درباره انصراف احسان علیخانی از تهیه‌کنندگی این پروژه و درج نامش به عنوان مشاور و سرمایه‌گذار در تیتراژ فیلم بیان کرد: پروانه ساخت اولیه فیلم به نام احسان علیخانی بوده و انصراف هم نداد، حتی پیش‌تولید را هم با آقای عسگری انجام دادند اما به خاطر مشغله «عصر جدید»، پروانه ساخت را به نام من تغییر داد ولی ایشان در کسوت سرمایه‌گذار و مشاور پروژه در کنار ما بودند.

امیرحسین عسگری، کارگردان «برف آخر» هم گفت: اساسا نطفه «برف آخر» در دفتر علیخانی بسته شد. احسان می‌گفت اگر قرار است به خاطر دغدغه‌ها سر پروژه نباشم بهتر است عنوان تهیه‌کننده را هم یدک نکشم. آقای علیخانی مشاور این پروژه بودند، حتی اینکه سرمایه‌گذار است در لحظه اتفاق افتاد، به عنوان یک هل اولیه چرخ را تکان داد و آقای مصطفوی تا آخر راه پیش رفت.

لادن مستوفی، بازیگر «برف آخر» هم درباره کم‌کاری‌اش در سینما گفت: برخی کارهای من کمتر دیده شده است. چند فیلم سینمایی داشتم که بنا به دلایلی پخش آنها متوقف شد، برای یک سریال هم وقت گذاشتم اما ساخته نشد. روی انتخاب نقش همیشه حساسیت داشته‌ام و همین نگاه باعث شد با وجود درگیری‌های مختلف، اشتیاق برای همراهی با گروه «برف آخر» داشته باشم. هر کاری سختی‌هایی دارد اما کاری را که اندیشه‌ای پشت آن است و پیام انسانی و درستی دارد می‌پذیرم. در این فیلم خستگی را احساس نکردم و هر لحظه از کار برایم لذت‌بخش بود.

امین حیایی هم درباره زمانی که صرف آمادگی برای ایفای نقش در این فیلم کرده است، گفت: حدود ۵ ماه فرصت بود ریش‌های من بلند شود و به آن گریم مورد نظر برسم، پیشنهادهای دیگر را هم به خاطر «برف آخر» نپذیرفتم و خود را در اختیار این پروژه گذاشتم. همه ما بازیگران دوست داریم نقش‌های خاص داشته باشیم، سختی‌های کار را هم پذیرفته بودیم چون کار را دوست داشتیم. همه با جان و دل وقت گذاشتند. فکر می‌کردم ۵ ماه فیلمبرداری این کار طول بکشد. با توجه به متنی که خوانده بودم فکر نمی‌کردم فیلم زیر ۵ ماه جمع شود اما آنقدر خدا با ما یار و عشق دوستان همراه بود که فیلمبرداری فیلم، ۲ ماه طول کشید. برای اینکه یک ابر در هوا باشد چند ساعتی صبر کردیم، سکانس آخر را گرفتیم و بعد به برنامه عصر جدید آمدم. همدلی و عشق بین گروه باعث شد تا کار زود جمع شود. وی در ادامه گفت: هر نقدی که در جشنواره به کارها می‌شود باعث رشد ما می‌شود، این موضوعات باعث می‌شود چالش‌ها را تجربه کنیم. نگاه متخصصان و منتقدان باعث رشد ما می‌شود؛ هر جشنواره که می‌گذرد، پختگی کار ما بیشتر می‌شود. در ادامه عسگری بیان کرد: ۳ سال و نیم پیش تحقیق را شروع کردم، به دنبال فضایی بودم که برف داشته باشد. هر چه نگاه می‌کردم، می‌دیدم ساختار شهرها شبیه هم هست و آنچه را که می‌خواهیم به ما نمی‌دهد و در نهایت به شهر کیاسر رسیدیم، البته همه فیلم در آنجا فیلمبرداری نشد. به سمتی رفتیم که شرایط برای فیلمبرداری مناسب باشد؛ به شهری به نام «ریمه» رفتیم که زمستان بسیار سخت و سردی داشت. عسگری در ادامه گفت: معتقدم برای اینکه فیلم سخت ساخته شود نیازمند یکسری چریک و افراد سخت هستیم که این فرد در این فیلم امین حیایی بود. خیلی علاقه نداشتم که بازیگر چهره داشته باشم اما امین حیایی به من ثابت کرد تو می‌توانی بهترین بازیگر باشی اما در کنار فیلم هم باشی.

مصطفوی، تهیه‌کننده فیلم درباره اختلاف خود با علیخانی و امین حیایی در مقام سرمایه‌گذاری بیان کرد: نمی‌دانم این حرف‌ها از کجا می‌آید، امین حیایی از ابتدا بازیگر فیلم بود، احسان هم به دلیل مشغله نتوانست تهیه‌کننده باشد، ما هیچ اختلافی باهم نداریم.

مجید صالحی، دیگر بازیگر «برف آخر» هم درباره ایفای نقش‌های جدی گفت: چند سالی است که فیلم‌های جدی بازی می‌کنم و این تجربه هم بسیار دلچسب بود. عشق و همدلی را در میان گروه می‌دیدم، در آن شرایطی که بسیار سخت بود و شب‌ها دمای منفی ۱۷ و منفی ۲۰ درجه را داشتیم کنار هم بودیم. به هر حال عسگری به هر کاری تن نمی‌دهد و سینما برای او تقدس دارد.

نقدی بر «مرد بازنده»
خلاصه قاتل را پیدا کردیم!

صادق فرامرزی: ما با یک کارآگاه مجرب و زبردست روبه‌روییم؛ چرا و چگونه؟ نپرسید، خودمان هم نمی‌دانیم! این احتمالا مختصرترین و کامل‌ترین تعریفی است که می‌توان از «مرد بازنده» محمدحسین مهدویان داشت.

«مرد بازنده» هفتمین فیلم بلند مهدویان است که در هفتمین جشنواره پیاپی از سال۹۴ تاکنون به نمایش درمی‌آید. او که در این مدت همیشه در جشنواره و همراه ساختن مخاطبان موفق بود اما در گیشه (به جز لاتاری) چندان توفیقی کسب نمی‌کرد، حالا و بعد از تجربه موفق «زخم کاری» در نمایش خانگی، یک اثر نوآر با حال و هوا و البته تیم بازیگران «زخم کاری» ساخته که از ابتدایی‌ترین مولفه‌های یک فیلم آبرومند نیز بی‌بهره است.

معمای فیلم حول یک قتل شکل می‌گیرد و ما با کارآگاهی مواجه می‌شویم که باید پرده از راز این قتل بردارد اما سناریوی فیلم صلاحیتی برای مخاطب قائل نمی‌شود تا پا به پای جست‌وجوهای این کارآگاه متوجه نشانه‌ای شود.

[احتمال لو رفتن داستان] احمد خسروی (جواد عزتی) که با شهود و حس ششم بدون هیچ نشانه‌ای، یکباره به نیروی خدماتی شرکت مظنون می‌شود، پس از اعتراف‌گیری از اردلان مجددا بدون هیچ ادله و نشانه‌ای احساس می‌کند باید پای زن سومی در میان باشد و... و از قضا در تمام این مراحل ظن او صحیح است! و مخاطب به عنوان ناظری منفعل گام‌به‌گام باید با حدس‌های صحیح شخصیت اول جلو بیاید تا در ناکجاآباد انتهای فیلم باز هم به صلاحیت سازنده کنار گذاشته شود. مجموعه خرده‌روایت‌هایی که از ابتدای فیلم و به شکل انباشتی به داستان اضافه می‌شود در نهایت بدون هیچ منطق روایی رها می‌شود.

نخستین شرط درام جنایی پرداختن به چارچوبی علت و معلولی است که در هیچ نقطه‌ای از فیلم نمی‌توان آن را پیدا کرد. در عوض آنچه در «مرد بازنده» به وفور دیده می‌شود کلیشه‌سازی برای شخصیت اول است؛ کلیشه‌هایی که البته در غیاب یک سناریوی قابل احترام به هرز می‌رود.

نکته محل بحث دیگری که در «مرد بازنده» به چشم می‌آید سرگردانی فیلم در تصویر کردن جهان ذهنی شخصیت‌هاست. آنچنان که خسروی (جواد عزتی) از ابتدای فیلم با دندانی عفونت کرده که باید کشیده شود (نمادی از ریشه‌کن کردن فساد) در قاب دوربین ظاهر می‌شود و تا انتهای فیلم و پیدا کردن قاتل با همان دندان خراب به ماموریت خود ادامه می‌دهد. با این حال رفتار و گفتار او نشان از یک نیروی متعهد دارد که مقابل مصلحت‌سنجی‌های یک نهاد در مسکوت گذاشتن و رها کردن یک پرونده جنایی می‌ایستد و وارد دوگانه آشنای «عدالت» و «مصلحت» می‌شود اما خود در پایان با توسل به مصلحتی دیگر حقیقت پرونده را مخدوش می‌کند.

غلط‌های املایی که سطر به سطر داستان را نسبت به سناریویی منسجم بیگانه می‌کند، مهدویان را در جایگاه یک «مرد بازنده» قرار داده که حتی تلاش‌های بازیگر نقش اول فیلمش نیز نتوانسته اثر را سر پا نگه دارد. «مرد بازنده» قرار بود روایتی پیچیده و البته معترض باشد اما در نهایت چیزی فراتر از یک مجموعه سرهم‌بندی شده و محافظه‌کار نیست.

برپایی جشنواره موسیقی فجر تحت تأثیر اُمیکرون
تأکید وزیر فرهنگ بر تقویت حوزه موسیقی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اینکه موسیقی با انقلاب اسلامی پیوند خورده و این حوزه خدمات فراوانی به انقلاب کرده است، ترویج، گسترش و تقویت حوزه موسیقی را باعث افتخار این دوره جشنواره دانست.

به گزارش «وطن‌امروز»، محمدمهدی اسماعیلی با اعضای ستاد برگزاری سی‌وهفتمین جشنواره موسیقی فجر دیدار کرد. اسماعیلی در نشست با اعضای ستاد برگزاری سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر گفت: بنای ما امسال برگزاری جشنواره‌ها به صورت عادی و حضوری بود اما سویه جدید شیوع کرونا در کشور برنامه‌ریزی ما را تحت تأثیر قرار داد و با توجه به شرایط موجود و توصیه‌های ستاد ملی مقابله با کرونا، جشنواره‌ها با حداقل‌ها ادامه پیدا می‌کند.

رئیس شورای هنر در ادامه به جایگاه موسیقی و نقش و تأثیر آن در میان مردم اشاره کرد و گفت: حوزه موسیقی به لحاظ ذهنی پیوندخورده با انقلاب اسلامی است؛ حتی کسانی که آن دوران را ندیده‌اند سرودهای زیبا و متناسب با آن ایام برای‌شان حس زنده بودن تاریخ، وحدت، انسجام ملی، همگرایی و اتحاد را دارد.

اسماعیلی با بیان اینکه موسیقی خدمات فراوانی به انقلاب اسلامی کرده است، اظهار کرد: در حساس‌ترین و مهم‌ترین لحظات پیروزی انقلاب اسلامی در آن دوران موسیقی وارد شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه ترویج، گسترش و تقویت حوزه موسیقی در این دوره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را از اولویت‌ها و افتخارات این وزارتخانه عنوان کرد و گفت: نگاه مجموعه دولت سیزدهم و شخص رئیس‌جمهور این است که به صورت جدی از حوزه فرهنگ و هنر حمایت کنیم.

اسماعیلی وجود پیشکسوتان، استادهای فن و افراد فاخر در حوزه موسیقی را به عنوان پرچمداران این عرصه توصیف کرد و گفت: خوشبختانه اتحاد و همدلی خوبی بین اساتید وجود دارد که این مهم باعث تقویت همدلی و همیاری در حوزه موسیقی شده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین به نشست ماه‌های گذشته خود با معاون امور هنری سابق و مدیر کل موسیقی اشاره کرد و گفت: در آن نشست مطالب و صحبت‌های خوبی مطرح و جمع‌بندی شد. از این رو از آقای سالاری، معاون امور هنری می‌خواهم آن موارد را با جدیت دنبال کنند؛ ما نیز در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تمام تلاش خود را برای کمک و حمایت از حوزه موسیقی به کار خواهیم بست تا در این حوزه متناسب با نیازها و خواسته‌های جامعه، تحولات بنیادین و اساسی ایجاد شود تا شاهد رشد و شکوفایی موسیقی در کشور و در سطح بین‌المللی باشیم.

اسماعیلی به اقدامات و تلاش‌های صورت‌گرفته برای برگزاری هرچه بهتر سی‌وهفتمین جشنواره موسیقی فجر اشاره و ابراز امیدواری کرد با اجرای خوب این رویداد بزرگ هنری، بهترین جشنواره در این دوره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در دولت سیزدهم رقم بخورد.

[آغاز بلیت‌فروشی کنسرت‌های جشنواره موسیقی فجر با ۳۰ درصد ظرفیت]

بلیت‌فروشی تمام اجراهای صحنه‌ای جشنواره موسیقی فجر از روز گذشته آغاز شد و سایت «هنر تیکت» به عنوان سامانه بلیت‌فروشی این دوره از جشنواره با توجه به پیشنهادهای مورد نظر و بررسی زیرساخت‌ها و شرایط گوناگون معرفی شده است. تالار وحدت، تالار رودکی، سالن دهلوی، فرهنگسرای نیاوران، فرهنگسرای ارسباران و سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی در جشنواره موسیقی فجر با ۳۰ درصد ظرفیت سالن برای هر اجرا میزبان علاقه‌مندان خواهند بود. سی‌وهفتمین جشنواره موسیقی فجر همزمان و در گرامیداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران از ۲۲ تا ۲۶ بهمن‌ماه ۱۴۰۰ به دبیری حسن ریاحی در بخش‌های رقابتی (جایزه باربد) و غیررقابتی برگزار می‌شود. جایزه ترانه، جایزه موسیقی و رسانه و نشست‌های پژوهشی از دیگر برنامه‌های این دوره جشنواره خواهند بود.